

# جایگاه انشا و نوشتن

در گفتگو با دکتر سید محمد کلانتر کوشه

عضو هیئت علمی گروه مشاوره دانشکده

روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی

شیرین خلف‌بیگی



به هر سو که می‌نگریم ردپایی به عمق تاریخ از نوشتن وجود دارد. کلمات از ذهن جوانه می‌زنند؛ تفکر آدمی تنیده در روح است؛ همان بخش پنهان هر فرد، همان تنهایی و خلوت که در سکوتش هزاران کلمه و واژه زندگی می‌کنند.

برای ورود به جایگاه و اهمیت انشا، ابتدا می‌خواهم تعریفی از روان انسان بدهم. خوب، برای تعریف روان انسان بهتر است به سه واژه بپردازیم؛ روان که معادل Psyche است. ذهن که معادل Mind است و روح که معادل Soul است. هر سه واژه مذکور به خصوص روان ریشه اصیلی در یونان باستان به ویژه در مباحث مطرح در کتاب محاورات افلاطون دارد. اما اکنون با کمی تسامح می‌توان ادعا کرد که ذهن انسان حاوی انرژی‌ای به نام روان است. بر این اساس روان همان توانمندی‌های ذهن است که شامل اندیشیدن، آگاه شدن، با خبر شدن، آگاهی از خویشتن و حتی آگاهی از وجود بخش ناخودآگاه از انسان می‌شود. به‌علاوه، ذهن و انرژی آن یعنی روان به‌عنوان نقش واسطه‌ای میان بدن که

دکتر کلانتر در سه رشته که به نظر می‌توانند مکمل یکدیگر باشند تحصیلات خود را گذرانده‌اند، دروس حوزوی را تا سطوح خارج ادامه دادند و البته با محتویات متعددی از فقه و اصول گرفته تا فلسفه اسلامی و تفسیر. در دروس دانشگاهی نیز فلسفه غرب را تا اتمام کارشناسی ارشد به پیش بردند. در کنار این دو رشته، رشته مشاوره را نیز تا مقطع دکترا ادامه داده و از دانشگاه پوترا مالزی در گرایش مذکور فارغ التحصیل شدند.

گرفته تا خوشی‌ها و لذت‌ها، از آرزوهای موهومی گرفته تا امیدهای دست‌یافتنی، جملگی در زنگ انشا قابلیت ظهور و بروز دارند.

زنگ انشا می‌تواند تمام ابعاد وجودی و نگرشی یک دانش‌آموز را آشکار کند و البته زنگی است که معلم می‌تواند درک بهتری از دانش‌آموزش پیدا کند. با این بیان می‌خواهم بگویم زنگ انشا می‌تواند از چنان قابلیت‌هایی برخوردار باشد که روان دانش‌آموز را به خوبی به خدمت گیرد؛ مسائل روانشناختی مطرح برای دانش‌آموز از جمله عزت‌نفس، اعتماد به نفس، جرئت‌ورزی، رابطه مثبت با دیگران، تسلط بر محیط و شرایط و حتی معنای زندگی و نیز نگرش دانش‌آموز به این مقولات می‌تواند در زنگ انشا و به بهانه نگارش، مورد طرح کاربردی واقع گردد.

توجه داشته باشید در نگرش علمی، هر درسی تأثیر خاص خودش را دارد و من معتقدم که زنگ انشا می‌تواند خلاقیت افراد را افزایش دهد. البته ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که تأکید من بر خلاقیت با توجه به آینده نگری برای دانش‌آموز است؛ امروز ما با مشکل مهمی به نام بیکاری مواجه هستیم که یکی از هسته‌های اصلی و علل اصلی آن نه ایجاد شغل توسط دولت که عدم ایجاد خلاقیت مناسب در دانش‌آموز است تا پس از فارغ‌التحصیلی بتواند بدون ورود به مجموعه‌ای یا وابسته کردن خویش به مجموعه‌ای، خودش مجموعه‌ساز باشد.

این نکته را هم فراموش نکنیم که کارهای خوب آنگاه کمرنگ شده و کم‌تر تکرار می‌شوند که افراد به مزیت‌ها و سودمندی‌های آن توجه نکنند و یا مزیت‌های آن در جامعه به طور مبسوط طرح نگردد. به نظر من باید بررسی کرد چگونه می‌توان افراد را به نگارش راغب کرد. مدل‌های مختلفی در جهان برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموز برای نگارش وجود دارد که بهتر است متولیان و معلمان با این مدل‌ها بیشتر آشنا شوند.

به نظر من نگارش برای دانش‌آموزان به خصوص در سنین پایین‌تر می‌تواند به گونه‌ای توصیف شود که فرد احساس کند در حال انجام تفریح و نه تکلیف است. نگارش باید نوعی بازی

یک امر فیزیکی است و روح که یک امر معنوی است عمل می‌کنند. با فرض اعتقاد به متافیزیک و بعد روحانی در انسان می‌توان ادعا کرد که اراده و اختیار... که وضعیت خودانگیختگی دارند از خاستگاه خویش یعنی روح به ذهن منتقل شده و از آن‌جا تعامل با مغز رخ می‌دهد.

با توضیحی که در بالا گفته شد قطعاً باید گفت نگارش که همان اظهار کردن خویشتن است خاستگاهی در روان دارد؛ البته برای معتقدین به متافیزیک خاستگاه اصلی آن روح است، کما این که برای چنین افرادی به‌طور کلی خاستگاه علم هم روح است. اما به هر حال روان انسان نقش اساسی و مهمی در نگارش دارد. به علاوه، یکی از ویژگی‌های اصلی در نگارش وجود خلاقیت است که البته این نیز خاستگاهی روانی دارد. با این بیان می‌توان گفت نوشتن اختصاص به موجوداتی دارد که از روان خلاق برخوردارند، خواه خلاقیت حداقلی و خواه خلاقیت حداکثری. پس نگارش از آن انسان است.

چون انسان موجودی است اجتماعی، خواسته یا ناخواسته همواره در تعامل ظاهری و ذهنی با دیگر انسان‌ها است. اگر چنین است که او موجود اجتماعی است پس از طرق مختلف باید بتواند با دیگران رابطه برقرار کند که یکی از آن‌ها و شاید علمی‌ترین و دقیق‌ترین راه‌های برقراری ارتباط همان نگارش است؛ انسان با نگارش خویش را به دیگران معرفی می‌کند؛ دوست یا دشمن پیدا می‌کند؛ فردی محبوب یا منفور قلمداد می‌شود و البته با نگارش ابعاد وجودی خویش را خواه هوشیارانه و خواه ناهوشیارانه به‌منصه‌ظهور می‌رساند. در این بین، نگارش به مدد روان است که تحقق می‌یابد. به مدد روان است که مشاهدات به تجسمات تبدیل شده و تجسمات با ادبیات نگارشی می‌تواند به دیگران عرضه شود. پس به هنگام نگارش، روان انسان کاملاً درگیر است.

پیش از این به واژه‌هایی همچون خلاقیت و تجسم اشاره کردم. زنگ انشا همان زنگ به حرکت افتادن و رشد خلاقیت‌ها است. از مسائل خیالی گرفته تا مسائل واقعی، از آلام و دردها

تلقی گردد که دانش آموز در حال بازی کردن باشد. کمترین نتیجه حذف یا کم توجهی به درس انشا، کاهش حداقلی از درون نگری و البته خلاقیت در انسان است؛ نگارش از آن جهت که به تفکر و تأمل نیاز دارد، نوعی درونگرایی را می طلبد، البته درونگرایی ای که همراه با ابراز وجود خویشتن خواهد بود. در آن دوره که دانش آموز در حال رشد و ارتقا است توجه به مسائلی همچون خلاقیت، درونگرایی حداقلی و... مواردی است که با توجه و با استفاده از این درس می توان در دانش آموزان ایجاد کرد.

